

## تاریخ بنای آرامگاه حکیم ابوعلی سینا

- ز الوند (۱) است تابان تا فروغ بوعلی سینا (۲) ،  
بتابد نور حکمت در جهان چون طور در سینا (۳) .  
پی افکند از خرد کیشی و هم از دانش آئینی (۴)  
که جاوید است در گیتی ، زهی کیشا و آئینا !  
شفائی (۵) غیر قانونش (۶) نیابد خاطر خسته  
نجاتی (۷) جز اشارتش (۸) نبیند دیده یینا .  
نبیند دیده یینا حکیمی همچو او دانا (۹) ،  
بروی مسند دانش ، بزیر قبه مینا (۱۰) !  
عیان شد لطف یزدانش (۱۱) ، نهان شد دیو از جانش ،  
بلندی یافت آیوانش بطغرای « و آئینا (۱۲) »  
رقم زد کلاک حکمت در هزارم سال میلادش (۱۳)  
که : « ماند این کاخ پاینده بفر بوعلی سینا . » (۱۴)

۱۳۷۰

### حواشی

۱- الوند . نام رشته کوهی است در مغرب و جنوب غربی شهر همدان ، که بلندترین قله آن ۳۷۰۰ متر ارتفاع دارد ، از کوههای معروف و تاریخی ایران است . یاقوت در معجم البلدان و مستوفی در نزهة القلوب از آن یاد کرده اند . در زمان دیرین « اروند » تلفظ میشده ( Aruanda ) در لغت اوستا و پهلوی و کتابهای مورخین یونانی و آن بمعنی « تند و نیرومند » باشد .

باباطاهر همدانی در دو بیتی های خود بر آن کوه نغمه سرائی کرده و گفته :

« گلی کستم پی اروند دامان      اوش از دیده دادم صبح و شامان  
بوقت آنکه بویش و امو آید      برد بادش بره سامان بسامان »



تصویر ابوعلی بن سینا . (بتصویر انجمن آثار ملی) اثر خاتمه ابوالحسن صدیقی

و نیز گفته :

« همه عالم پر از کرده چه واجم چو مودلها پراز درده چه واجم ؟ »

چو سنبل کشته بیم دامان اروند اونم از طالعم زرده چه واجم ؟ »

و باز گفته است :-

گرم رانی ورم خوانی ته زانی ورم آخر بسوزانی ته زانی

ورم بر سر نهی اروند و میمند نمیوازم خدا زانی ته زانی !

ذکر الوند در مطلع قطعه، اشاره است بمدفن ابوعلی سینا که در همدان قرار دارد. ابو عبید جوزجانی تلمیذ شیخ در رساله که بنام « سرگذشت » در تاریخ زندگانی استاد خود نگاشته گفته است : « دُفِنَ بِهِمْدَانَ وَقَبْرُهُ تَحْتَ السَّوْرِ مِنْ جَانِبِ الْقِبْلَةِ مِنْ هَمْدَانَ . »

( تَمْتَةُ صَوَانَ الْحِكْمَةِ - طَبْعُ لَاهُورِ ص ۵۸ )

ازین رساله نسخه ای کهنسال در کتابخانه دانشگاه استانبول موجود است که بتاریخ ۵۸۸ هـ . کتابت شده و یکی از قدیمترین اسنادی است که ذکر مدفن شیخ را مینماید، و سال مذکور از تاریخ تألیف کامل التواریخ « ابن الاثیر » (که مدفن شیخ را در اصفهان ذکر کرده و در ۶۲۸ هـ تألیف شده) چهل سال قدیمتر است .

۲ - بوعلی سینا . . . شیخ الرئيس شرف الملك ابوعلی حسین بن عبدالله بن

سینا حکیم شهر و فیلسوف بزرگ شرق - تولد او در دیهه خرمیشتن از توابع بخارا در ماه صفر سال ۳۷۰ هـ ، و وفاتش در جمعه ۶ رمضان ۴۲۸ هـ در همدان اتفاق افتاده .

برای دانستن تفصیل احوال او نظر کنید به تَمْتَةُ صَوَانَ الْحِكْمَةِ - تألیف علی بن زید البیهقی طبع لاهور ۱۹۳۵ هـ ، اخبار العلماء باخبار الحکماء - تألیف جمال الدین علی القفطی طبع مصر ص ۲۶۸ ، دائرة المعارف الاسلامیة ، تاریخ ادبیات عرب تألیف بروکلیمان ، نامه دانشوران - طبع تهران ، و فیات الاعیان - تألیف قاضی ابن خلکان و غیره .

۳ - طور در سینا . . . سلسله کوهی در شبه جزیره سینا بقرب دریای احمر

موجود است که در سالف ایام بنام « سینا » معروف بوده و در زمان حاضر آنرا « جبال الصفا » مینامند . دو میل طول آن است . یکی از قلل آن که « جبل موسی » نام دارد ظاهراً همان کوه طور است که در کتب مقدسه ذکر آن رفته - و در قرآن مجید

در ده آیه در سور مختلفه از آن ذکر شده و سوره الطور (سوره ۵۲) بنام آن است. و «طورسینا» و «طورسینین» در سوره المؤمنون و سوره التین آمده و آن کوهی است که گویند خداوند در آنجا بر موسی تجلی فرموده است. حیث یقول - «و نادیناهُ من جانب الطور الايمن وقرّبناهُ نجیّا».

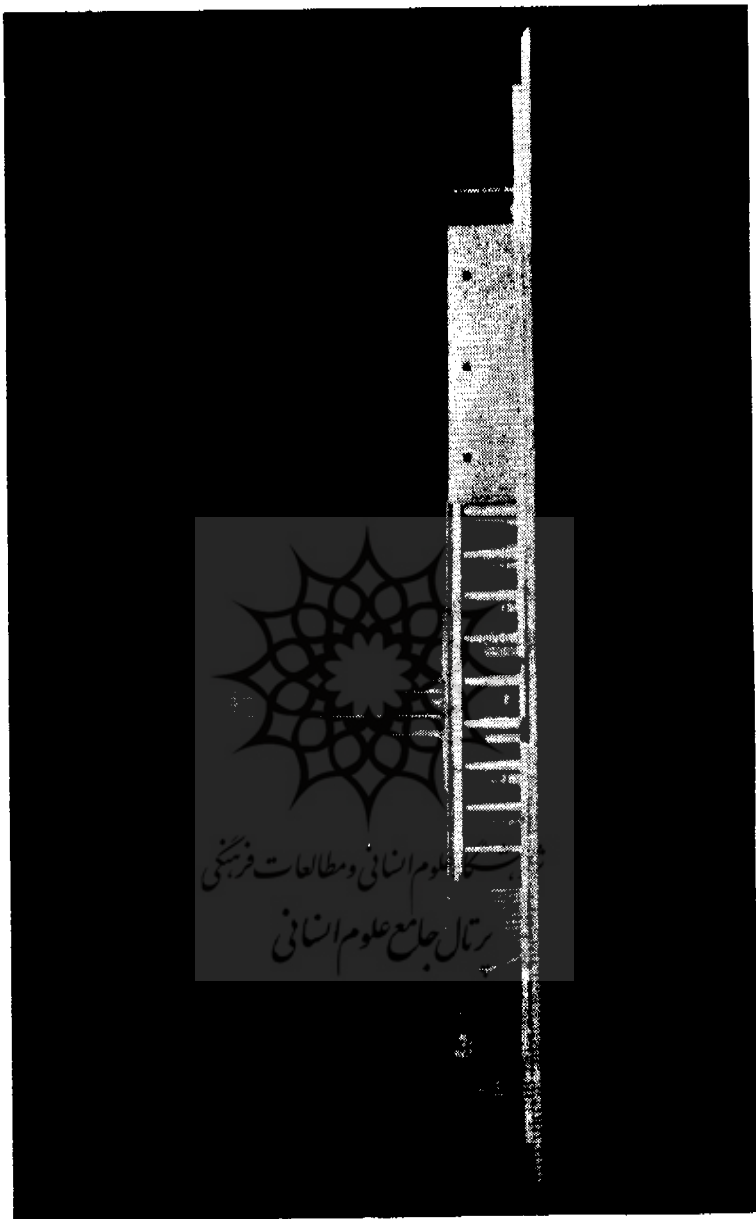
از شعرای پارسی زبان خواجه حافظ ذکر این کوه را بسیار کرده:

«شب تاراست وره وادی ایمن درپیش آتش طور کجا وعده دیدار کجاست»  
 ایضاً: «مددی گریچراغی نکند آتش طور چاره تیره شب وادی ایمن چکنم»  
**(۴) پی افکند از خرد کیشی و هم از دانش آئینی . . . .** اشاره است به

مکتبی از فلسفه که ابوعلی بنیاد نهاد و آن باستواری و رزانت در طول قرّون و اجیال ثابت و برقرار است. و اشارالشهرستانی فی ملله بشانه حیث قال: «وَ اِنَّمَا عِلْمُهُ الْقَوْمُ» (فلاسفة الاسلام) أبوعلی الحسین بن عبد الله بن سینا و قد سلکوا کلهم طریقه ارسطاطالیس فی جمیع ما ذهب الیه و انفرد به سوی کلمات یسیره ربما رأوا فیها رأی افلاطون و المتقدمین - و لما كانت طریقه ابن سینا اتق عند الجماعه و نظره فی الحقایق اعوض اخترت نقل طریقه من کتبه . . . لانها عیون کلامه و متون مرامه و اعرضت عن نقل طرق الباقین و کلّ الصید فی جوف الفرا».

**۵- شفائی . . .** ایهام است بکتاب شیخ در فلسفه موسوم به - الشفاء - و آن کتاب شامل چهار قسمت است: منطق، طبیعیات، الهیات، ریاضیات. و قسمت طبیعیات خلاصه است از فلسفه ارسطو. این اثر عظیم و مخلص را آن حکیم دانشمند در همدان در زمانی که متواری و پنهان بود شروع فرمود و آن مجموعه است از فلسفه «مشائین».

**۶ - قانونش . . .** ایهام است به کتاب کبیر او در طب موسوم به - القانون - که از اساتین کتب این علم و مشتمل بر مجلدات عدیده است و از هر دو قسم طب نظری و طب عملی بحث میکند، و پس از بیان کلیات احکام از ادویه مفرده و نیز از امراض طاریه بر اعضاء بدن انسان و ادویه مرگبه (قرابادین) سخن میگوید. و این کتاب شهرت جهانی یافت و به لاتین ترجمه شد و در مدارس عالیّه اروپا سالیان دراز تدریس می شد. نخستین بار در سال ۱۵۹۳ م. در شهر رم (ایتالیا) بطبع رسید.



مطالعات فرسنگی  
رتال جامع علوم انسانی

آرامگاه بوعلی - نمای اصلی بطرف خیابان بوعلی (ماکت)

۷ - **نجاتی** . . . ایهام است به کتاب دیگر شیخ در فلسفه موسوم به - النجاة - و آن در حقیقت خلاصه‌ایست از شفا و شامل منطق و طبیعیات و آلهیات میباشد.  
این کتاب نیز اولین بار در سال ۱۵۹۳ م در رم بچاپ رسید.

۸ - **اشاراتش** . . . این نیز ایهام است به کتابی دیگر از لطائف آثار آن حکیم موسوم به - الاشارات - که در اواخر عمر بعد از شفا و نجات تألیف فرمود و ظاهراً آخرین اثر فلسفی اوست مشتمل بر منطق و طبیعیات و الهیات و عرفان، و از حکمت افلاطونیه جدیده سخن میگوید، امام فخر رازی و خواجه نصیر طوسی آنرا شرح کرده‌اند و در تهران بطبع رسیده است.

۹ - **حکیمی همچو او دانا** . . . عظمت ابوعلی در حکمت و فلسفه و طب هم از زمان حیات خود او آغاز شد و شهرتش جهانگیر گردید. سنائی که تقریباً ده سال بعد از وفات او در غزنین متولد شده با آنکه نظر خوشی بحکیم نداشته حصول مقام او را بدعا از خدا خواسته است و میگوید:

« بدل نندیشم از نعمت نه در دنیا نه در عقبی

همیخواهم بهر ساعت چه در سراجچه در ضراً

که یارب مرسنائی را سنائی ده تو در حکمت

چنان کز آن بر شک آید روان بوعلی سینا »

۱۰ - **قبة مینا** . . . کنایه از آسمان است. و قبه بنائی است که سقف آن مستدیر و مقعر باشد و آن بمعنی و شاید معرب - گنبد - فارسی است. و مینا بمعنی آبکینه - یا - آبکینه کبود - یا - آبکینه ملون - باشد. جهانگیری این رباعی را در معنای مینا به آبکینه با استشهاد آورده که منسوب بسطان ابو سعید ابوالخیر است:

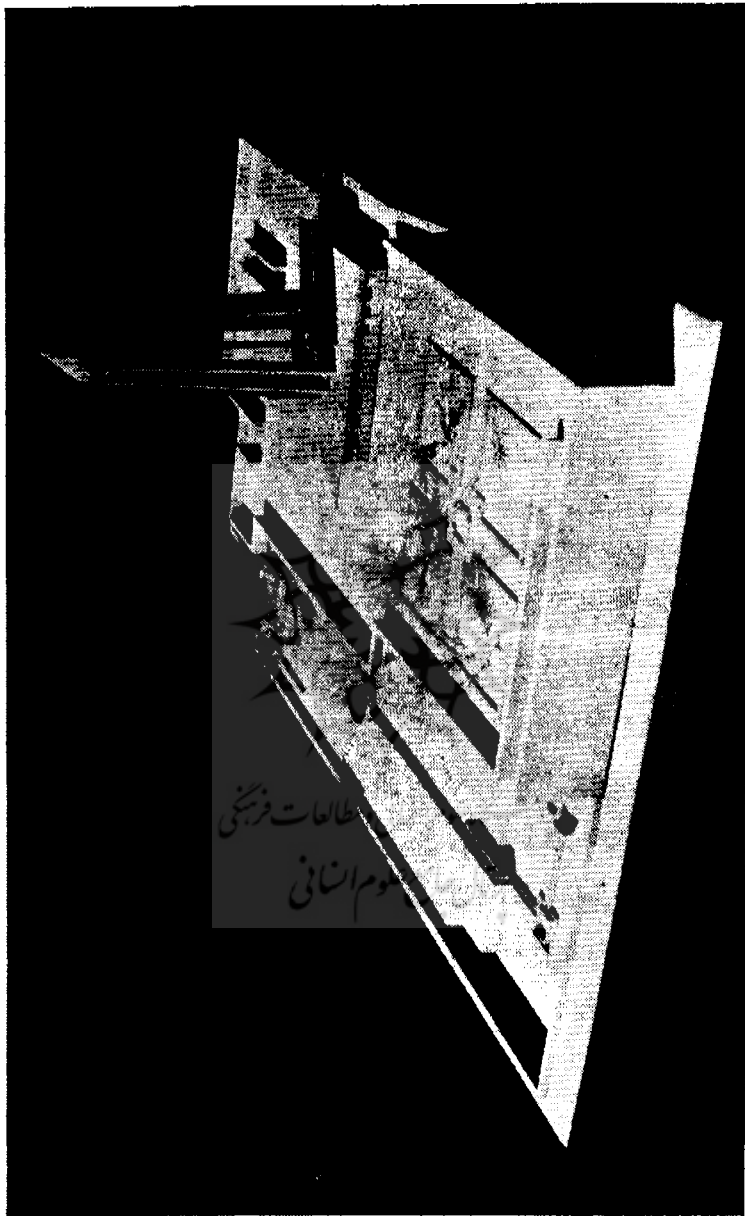
« من دوش دعا کردم و باد - آمینا تا به شود آن دو چشم - بادامینا

از دیده بد خواه ترا چشم رسید در دیده بد خواه تو بادا - مینا »

و بمعنی آبکینه رنگا رنگ سنائی گفته است:

« تو پنداری که بر بازی است این میدان چون مینو

تو پنداری که بر هرزه است این ایوان چون مینا »



طاعات فریضی  
موم انسانی

آرامگاه بوعلی - منظره عمومی بنا عکس هوایی (ماکت)

دائرة مینا و کنبد مینا : باز کنایه است از آسمان . حافظ گوید :

« زین دایره مینا خونین جگرم می ده تا حل کنم این مشکل در ساغر مینائی »  
 قآنی گوید :

« دوش که این کرد کرد کنبد مینا آبله کون شد چو چهر من ز نریا »  
 و مینا ماده است براق و شفاف که از شیشه گداخته و فلزات الوان ( اکسیدد بطاسیوم و سودیوم ، و اکسید های فلزی ) بصنعت روی شیشه یا فلز طلا به میکشند و در آن نقش و نگار های بدیع و زیبا بعمل می آورند و آن ماده را بفرانسه « Email » و بانگلیسی « Enamel » و عبری با اقتباس از کلمه فارسی « المینا » گویند ، و ضانع این عمل را مینا گر - نامند . مولوی فرماید :

« اینچنین مینا گریها کلاتست اینچنین اکسیرها اسرار تست »

۱۱ - عیان شد لطف یزدانش . . . لطف از صفات ذات الهی است و در قرآن مجید مکرر آمده است که « ان الله لطیف خبیر » و « الله لطیف بعباده » و متکلمین را در باب - لطف - مباحث و سخنان بسیار است و آنرا چنین تعریف کنند :

« اللطف ما یقرّب العبد الی الطاعة و یبعده عن المعصية . » لطف آن است که بنده را بطاعت و بندگی نزدیک فرماید و از سر پیچی و عصیان دور سازد . و گویند نفوس طیبه خاصان درگاه مشمول لطف الهی شوند . و در این بیت اشاره است بمقام علوی روان شیخ رئیس و عنایات الهی که شامل احوال او گردید .

۱۲ - بطغرای و آئینا . . . اشاره است به آیه مبارکه « و آئیناه الحکمة و فصل الخطاب » سورة ۳۸ آیه ۲۰ که در خور است با مقام ابوعلی در حکمت و منطق . در قرآن مجید در ۱۴ موضع کلمه « آئیناه » وارد است که غالب آنها با مقصود و مقام متناسب مینماید ، مانند :

و آئیناه فی الدنیا حسنة و فی الآخرة لمن الصالحین النحل ۱۶/۱۲۲

و لقد آئینا لقمان الحکمة . . . لقمان ۳۱/۱۲

و آئیناه رحمة من عندنا الکهف ۱۸/۶۵

و لما بلغ اشدّه واستوی آئیناه حکماً و عدلاً القصص ۲۸/۱۴

و آئیناه الحکم صبیّاً مریم ۱۲/۱۹



انوری در قطعه که در ستایش ابوعلی سروده از فقیهی که بآن حکیم معترض بوده مذمت کرده از قرآن مجید کلمه شریفه « ولوشنا » را اقتباس و در قافیه مندرج ساخته و ظاهراً آیه مبارکه « ولوشنا لا یتینا کل نفس هداها » را در نظر داشته است .  
 قطعه انوری و همچنان قطعه که در جواب او یکی از اهل ظاهر ساخته است چون با موضوع کلام بی رابطه نیست هر دو در اینجا یادداشت میشود :

دیده جان بوعلی سینا	ببود از نور معرفت بینا
سایه آفتاب حکمت او	تافت از مشرق « ولوشنا »
جان موسی صفات او روشن	بتجلی و شخص او سینا
ای سفیه فقیه نام تو کی	باز دانی زمرّد از مینا
در تک چاه جهل چون مانی	مسکن روح قدس، مسکینا!

در جواب او گفته اند :

« انوری چون خدای راه نمود	مصطفی را بنور « لوشنا »
برد قدرش بدولت فرقان	پای بر فرق گنبد مینا
نور عرشش بعرش سایه فکند	چون تجلی بسینه سینا
مسکن روح قدس شد دل او	نی دل تنگ بوعلی سینا
سخن از شرع دین احمد گوی	بیدلا ابلها و بیدینا !
چشم در شرع مصطفی بکشای	گر نمی تو بعقل نایینا «

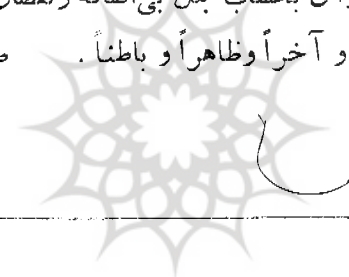
این قطعه نیز از انوری است :

نگر تا حلقه اقبال ناممکن نجبانی	سلیمان ابلها ! لابل که محروما و مسکینا !
سنائی گرچه از وجه مناجات او همیگوید :	بشعری در زحصر آنکه یابد دیده بینا
که یارب مرسنائی راسنائی ده تو در حکمت	چنان کز وی بر شک آید روان بوعلی سینا
ولیکن از طریق آرزو پختن خرد داند	که با بخت زمرّد بر نیاید دیده مینا
برو جان پدر تن در مشیت ده که دیر افتد	زیأجوج تمتی رخنه درسد « ولوشنا »
باستعداد یابد هر که از ما چیزکی یابد	نه اندر بدو فطرت پیش ازین کان الوری طینا

۱۴ - در هزارم سال میلادش . . . چون سال هجرت به ۱۳۷۰ قمری رسید

و هزارسال درست از ولادت با سعادت آن حکیم بزرگوار بگذشت. دانایان ایران به تجلیل قدر و تعظیم شأن او برخاستند و **انجمن آثار ملی** بنام وی بر سر تربت او در دامان الوند بنائی منیع و گنبدی رفیع (بسبک و طرز گنبد قابوس که مدفن امیرمعاصر وی قابوس و شمگیر زیاری است) برافراشتند که هم در این ایام فرخنده فرجام بسعی و اهتمام این بنده رهی به پایان رسید؛ و بیادبود سالگه هزارمین میلاد او بر عرصه جهان یادگار است.

۱۴ - نویسنده این سطور را در یکی از لیالی ذیحجه الحرام ۱۳۷۰ که مقارن با اختتام گنبد او بود بنخاطر گذشت که برسم گویندگان ماده تاریخی مشتمل برسال بنای آن مقبره عظیم بنظم آورد، ناگهان از برکت فیض قدسی و به تأیید روح علوی آن حکیم این چند کلمه: «مانند این کاخ پاینده بفر» بوعلی سینا «بر لوح دل طاری و بزبان قلم جاری گردید و از آن بحساب جمل بی اضافه و نقصان عدد - ۱۳۷۰ - استخراج میشود. والحمدلله اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً. طهران - آذرماه ۱۳۳۰»



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی  
پری!

### صادق سرمد

ای خوش آن عمر که در عشق تو گرد سپری!  
که تو در حسن گرو برده ای از حور و پری!  
جان سپارم، بمن ببند اگر سرسپری  
جز بیامت نبرد، با همه بی بال و پری  
دل پر حسرت من جوی اگر از عشق پری  
امتحانم کن و از وصل مرا بخش پری  
تا تو باشی که بهر بام و بهر در نبری

سپری گشت مرا عمر بعشق تو، پری!  
تو پریچهره کجا؟ حور و پریراد کجا؟  
سر سپردم بتو، تا دل نسپاری تو بکس  
گرچه بام تو بلند است، ولی مرغ دلم  
خالی از عشق تو نبود دل پر حسرت من  
«پری» عشق همان جائزه وصل بود  
سرمد طائر جان تو ز پرواز افتاد